

Feasibility of Conjoined Twins in Marriage (with a Comparative view of Islamic Jurisprudence)

Reza Daryae¹

Farshid Kkhosravi²

DOI:

10.30497/flj.2024.245607.1977



Abstract

God created humans in the best form and legislated the laws of Sharia for them. In rare cases, humans are also born as conjoined twins, which can only be separated through surgery. Due to the ambiguity in the unity and multiplicity of the personalities of these twins and their existence in this world, the possibility of their marriage has become a subject of intense disagreement among Islamic jurists. Considering the silence of laws, this present research aims to answer the legal issues related to the marriage of conjoined twins by describing and analyzing the views of Islamic jurists. The research shows that providing an accurate answer requires a legal differentiation between conjoined twins, complete conjoined twins with shared or separate sexual organs and parasitic conjoined twins. Regarding the possibility of marriage, it should be noted that if separation is not possible, unlike complete twins who have shared sexual organs, there is a possibility of marriage for parasitoid twins and fraternal twins with separate sexual organs.

Keywords: conjoined twins, fraternal twins, parasitoid twins, marriage.



1. Assistant Professor in Department of Law in University of Guilan, Rasht, Iran.

reza.daryaie@guilan.ac.ir

2. (Corresponding Author) PhD Student in Private Law in University of Guilan, Rasht, Iran.

farshidkhosravi2020@yahoo.com

امکان سنجی ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده (با نگاه تطبیقی به فقه مذاهب اسلامی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

رضا دریائی^۱

فرشید خسروی^{۲*}

Doi: 10.30497/flj.2024.245607.1977

چکیده

خداوند انسان را در بهترین شکل خلق کرد و احکام شریعت را بر او تشریح داشت. در موارد نادری نیز انسان‌ها به شکل دوقلوهای به هم چسبیده متولد می‌شوند که جداکردن آن‌ها از یکدیگر تنها از طریق عمل جراحی میسر است. با عنایت به وجود ابهام در وحدت و تعدد شخصیت دوقلوهای مذکور و با توجه به موجودیت آن‌ها در این جهان، امکان‌سنجی ازدواج آن‌ها محل اختلاف نظر شدید بین فقهای اسلامی است. با توجه به سکوت قوانین، پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با نگاهی به آرای فقهای مذاهب اسلامی در صدد پاسخ‌گویی به مسائل حقوقی در زمینه موضوع ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده است. تحقیق نشان می‌دهد دادن پاسخ دقیق نیازمند تفکیک حقوقی میان دوقلوهای به هم چسبیده به دوقلوهای به هم چسبیده کامل دارای اندام جنسی مشترک یا مجزا و دو قلوهای به هم چسبیده انگلی است. درباره امکان ازدواج آن‌ها باید گفت اگر جداسازی امکان‌پذیر نباشد، برخلاف دوقلوهای کاملی که اندام جنسی مشترک دارند، امکان ازدواج برای دوقلوهای انگلی و دوقلوهای کاملی که دارای اندام جنسی مجزا هستند، وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، دوقلوهای انگلی، دوقلوهای به هم چسبیده، دوقلوهای کامل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

reza.daryaie@guilan.ac.ir

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان، گیلان، رشت، ایران.

۲. (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه گیلان، گیلان، رشت، ایران.

farshidkhosravi2020@yahoo.com

مقدمه

از جمله پدیده‌های زیستی، تولد دوقلوهای به‌هم‌چسبیده است. این مهم همیشه برای بشر قابل توجه بوده است؛ به طوری که دیدگاه عموم دربارهٔ کودکان ناقص به شدت تحت تأثیر فرهنگ و باورهای مذهبی حاکم است (Rodman & Placencia, 2018, p 350). دوقلوهای به‌هم‌چسبیده دوقلوهایی هستند که بدن آن‌ها از نظر آناتومیکی در رحم به هم متصل شده‌اند. درجهٔ چسبندگی می‌تواند از ساده (شامل پوست و غضروف) به پیچیده (از جمله همجوشی اندام‌های حیاتی مانند جمجمه یا مغز) متفاوت باشد (Madhavan, Naik & Aurora, 1974, p 340). قدمت شناخت بشر از دوقلوهای به‌هم‌چسبیده حتی به دورهٔ بشر غارنشین برمی‌گردد که تصاویر موجود در آثار آن دوره نظیر سفال‌ها و دیوار غارها و نوشته‌ها مؤید آن است (فراهی شالچی، فاضل، و سازگار، ۱۳۸۰، ص ۲۳۵). در طول تاریخ، دوقلوهای به‌هم‌چسبیده در آثار هنری به تصویر کشیده شده‌اند که بیانگر کنجکاوی و تفسیرهای مختلف بشر از این پدیده است (Couzin, 2023, p 3-5). دوقلوهای به‌هم‌چسبیده که به نام دوقلوهای سیامی نیز شناخته می‌شوند، یک ناهنجاری نادر محسوب می‌شوند که در آن جنین‌های همسان به هم متصل هستند. دلایل دقیق شکل‌گیری دوقلوهای به‌هم‌چسبیده به‌طور کامل شناخته‌شده نیست؛ اما اعتقاد بر این است که این دوقلوها به دلیل ترکیبی از عوامل ژنتیکی و محیطی متولد می‌شوند (Ratner, Terrone & Cosgrove, 2006, p 3).

این مهم صرف‌نظر از ابعاد پزشکی، مسائل فقهی و حقوقی عمیقی نیز به همراه دارد؛ نظیر آنکه آیا باید آن‌ها را یک نفر محسوب کرد یا دو نفر؟ احوال شخصیهٔ آن‌ها چگونه است؟ آیا امکان ازدواج این دوقلوها وجود دارد؟ فرضیهٔ نویسندگان این است که نمی‌توان قواعد یکسانی بر جملگی دوقلوهای به‌هم‌چسبیده اعمال کرد و در این میان کامل یا انگلی بودن این دوقلوها در شناسایی پاسخ تأثیرگذار است. فقیهان در قرون نخست اسلامی غالباً به مسئلهٔ ارث دوقلوهای به‌هم‌چسبیده توجه ویژه‌ای مبذول داشتند؛ با این حال در مواردی که اعلام‌نظر کرده‌اند تمایزی بین اقسام دوقلوهای

به هم چسبیده قائل نشده‌اند. در فقه اهل سنت نیز احکام دوقلوهای به هم چسبیده بر انواع دوقلوهای مذکور قابل اعمال دانسته شده است (شریعی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۳۸۹؛ بجیرمی، ۱۴۲۷ ق، ج ۳، ص ۳۲۸). در فقه امامیه نیز بدون در نظر گرفتن اقسام دوقلوها صرفاً احکام یک قسم از دوقلوها که دارای اندام فوقانی مجزا و تحتانی واحد هستند، بیان شده است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۱، ص ۵۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۳۹۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲۶، ص ۲۹۷؛ نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷، ص ۲۲۷). این در حالی است که همان‌طور که خواهد آمد منطق ایجاب می‌کند نظر به تنوع شرایط فیزیکی دوقلوهای به هم چسبیده، احوال شخصیه مترتب بر آنها نیز متمایز باشد. شاید شایع نبودن این وضعیت زیستی یا سکوت برخی از فقیهان یا حتی بعضاً اختلاف نظرهای فقهی، مانع ورود قانون‌گذاران کشورهای اسلامی به این موضوع شده است. بر همین اساس در متون قانونی داخلی نیز قواعدی ویژه درباره احوال شخصیه دوقلوهای به هم چسبیده مشاهده نمی‌شود. در تألیفات حقوقی نیز پژوهش‌های به عمل آمده درباره وضعیت دوقلوهای به هم چسبیده بسیار محدود است و غالب تحقیقات صورت گرفته پیرامون مباحث پزشکی و کیفری مرتبط با آنها است. بر همین اساس پژوهش حاضر با بررسی ابعاد فقهی و حقوقی موضوع، در صدد پاسخگویی به مسائل عملی است که دوقلوهای به هم چسبیده در ازدواج با آن مواجه‌اند.

برای این مهم، ابتدا به مفهوم و اقسام دوقلوهای به هم چسبیده پرداخته می‌شود؛ زیرا شناسایی اقسام مختلف در دستیابی پاسخ‌های دقیق ضروری است. سپس ازدواج این اشخاص مطالعه و بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

وضعیت حقوقی دوقلوهای به هم چسبیده چندان مورد توجه حقوق‌دانان داخلی قرار نگرفته است؛ اما در برخی از رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها به جنبه‌هایی از ابعاد موضوع توجه شده است؛ برای نمونه در رساله دکتری، با عنوان *بزهکاری و بزه‌دیدگی دوقلوهای به هم چسبیده از منظر فقه امامیه* به قلم مهدیه غنی‌زاده، نویسنده محترم ضمن بیان نظریات مطرح شده در باب وحدت

و تعدد شخصیت دوقلوهای به هم چسبیده با تقسیم دوقلوها به سه دسته، مسئله بزهکاری و بزه‌دیدگی دوقلوهای به هم چسبیده را در حدود و جنایات و تعزیرات بر مبنای فقه امامیه بررسی کرده است (غنی‌زاده، ۱۳۹۸). در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان بررسی فقهی و حقوقی احکام دوقلوهای به هم چسبیده به قلم نرگس رحیمی عنا (۱۴۰۰ ش)، نویسنده محترم ضمن بررسی احکام جزایی دوقلوهای به هم چسبیده، درباره موضوع ازدواج آن‌ها نیز صرفاً به ذکر فتاوی مراجع تقلید معاصر اکتفا کرده است. همچنین در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان مسئولیت کیفری دوقلوهای به هم چسبیده در باب حدود در حقوق کیفری ایران به قلم سید رضا احمدیان، نویسنده محترم به بیان احکام مرتبط با نحوه اجرای مجازات حدود در خصوص دوقلوهای به هم چسبیده پرداخته است (احمدیان، ۱۳۹۲). درباره احوال شخصیه این افراد هم در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی عبادات و احوال شخصیه مکلفان غیرعادی، نویسنده محترم ضمن بیان اقسام مکلفان غیرعادی، به احکام عبادی و احوال شخصیه، از جمله ازدواج آن‌ها، صرفاً بر مبنای فقه امامیه پرداخته است (اسدی، ۱۳۹۳).

براین اساس می‌توان گفت بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته یا در حوزه حقوق کیفری است یا در آن‌ها امکان‌سنجی ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده، آن هم از منظر فقه مذاهب اسلامی به صورت مستقل مورد توجه قرار نگرفته، و مسائل موجود در این مسیر تبیین نشده است.

۱. مفهوم دوقلوهای به هم چسبیده

بیان تعریفی دقیق از دوقلوهای به هم چسبیده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا آن‌ها را از دوقلوهای معمولی متمایز می‌کند. کلمه دوقلو به دو فرزند دلالت دارد که در شکم یک مادر هستند. در زبان عربی از دوقلوهای به هم چسبیده عموماً با عبارت «التوأم المتلاصقه» یاد می‌شود (میمان، ۲۰۱۰ م، ص ۵؛ أبو البصل، ۲۰۱۰ م، ص ۷۹؛ محمد منصور علی، ۲۰۱۳ م، ص ۲۰). این اصطلاح از نظر لغوی، مرکب از دو کلمه «التوأم» و «المتلاصقه» است. اطلاق لفظ «توأم» یا «توأمان» برای نوزاد دوقلو محل اختلاف لغت‌دانان است (ازهری، ۲۰۰۱ م، ج ۱۴، ص ۲۴۰؛ جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۱۸۷۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۶۰؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ص ۸۰). برای مثال

فیروزآبادی می‌گوید: «به هر موجود جاننداری که با یکی دیگر از شکم واحد خارج شود، اعم از آنکه هر دو مذکر یا هر دو مؤنث یا یکی مذکر و یکی مؤنث باشد، «توأم»، و به جمع (هر دو) آن‌ها «توأمان» گفته می‌شود» (۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۶۰)؛ اما به نظر برخی دیگر، لفظ توأم فقط دلالت بر دو نوزاد پسر دارد و توأمة برای نوزادان دختر اطلاق می‌شود (ابن سکیت، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۲۳۳). گروهی دیگر از لغت‌دانان ملازمت و همراهی را بر توأم یا توأمان مترادف دانستند (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ص ۸۰). کلمه «المتلاصقه» نیز مشتق از لصق است. لصق در لغت به معنای چسبیدن است؛ از این رو متلاصقه به معنای متصل شدن چیزی به چیزی دیگر یا چسبیدن یا بهم چسبیده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۶۶). با کنار هم قرار گرفتن دو کلمه «التوأم» و «المتلاصقه» در می‌یابیم دوقلوهای بهم چسبیده به معنای نوزاد دوقلویی است که در آن واحد از شکم مادر زاده می‌شوند؛ در حالی که اعضای بدن آن‌ها بهم چسبیده است. شایان ذکر است در برخی متون فقهی از عبارت «التوأم السیامیه» نیز برای بیان این مفهوم استفاده می‌شود. «التوأم» به معنای دوقلو و «السیامیه» به معنای چسبیده است. السیامیه منسوب به السیام (نام باستانی تایلند) است (ربیع، ۲۰۰۹ م، ص ۱۰۵)؛ و این بیان بدان خاطر است که پدیده دوقلوهای بهم چسبیده در تایلند باستان به وفور وجود داشت و جدا شدن آن‌ها تنها با عمل جراحی ممکن بود (أبو البصل، ۲۰۱۰ م، ص ۸۱).

در نظر فقهای مذاهب اربعه دوقلوه‌ها، نوزادانی هستند که از یک مادر و به طور هم‌زمان یا در فاصله حداقل شش ماه از هم متولد می‌شوند (شمس‌الائمہ سرخسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۲۰۳؛ ابن رشد، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۴۰۵؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵ ق، ج ۸، ص ۷۰؛ نووی، ۱۳۴۴ ق، ج ۲، ص ۵۲۶). دوقلوهای بهم چسبیده را هم جنین‌های دوقلوی همسان از نظر خلقت و همجنس تعریف کرده‌اند که در دوران بارداری به صورت غیرطبیعی به هم متصل می‌شوند و اغلب دارای اندام‌های مشترک هستند و تعدادشان از دو تن تجاوز نمی‌کند (أطبان، ۲۰۱۰ م، ص ۷). از نظر علم پزشکی دوقلوهای بهم چسبیده در مراحل اولیه رشد و در نتیجه بارور شدن از تخمک واحد به وجود می‌آیند؛ از این رو به آن‌ها دوقلوهای تک تخمکی نیز گفته می‌شود. درباره

دوقلوهای معمولی، سلول تخم تشکیل‌دهنده جنین پس از گذشت سیزده یا چهارده روز از لقاح به دو جنین جدا تقسیم می‌شود؛ اما چنانچه پیش از تقسیم به‌نحو کامل، روند آن متوقف شود، سلول به‌طور ناقص به رشد خود ادامه می‌دهد و دوقلوی به‌هم‌چسبیده شکل می‌گیرد (Ulrich, 2020, p 176).

بنا بر آنچه آمد، می‌توان گفت از یک‌سو، دوقلوهای به‌هم‌چسبیده می‌توانند فقط از یک جنس باشند (دو پسر یا دو دختر) و تعداد آن‌ها نیز نباید بیش از دو تن باشد؛ بنابراین نمی‌توان چندقلوی به‌هم‌چسبیده را تصور کرد. از سوی دیگر چسبندگی باید به‌گونه‌ای باشد که فقط با جراحی بتوان آن‌ها را جدا کرد. فهم دقیق‌تر این مفهوم در گرو شناسایی مصادیق آن است که در ادامه بیان خواهد شد.

۲. اقسام دوقلوهای به‌هم‌چسبیده

دوقلوهای به‌هم‌چسبیده را از حیث کامل یا ناقص بودن و قسمت‌های به‌هم‌چسبیده بدن می‌توان تقسیم‌بندی کرد که در ادامه به‌نحو مختصر بدان اشاره می‌شود.

۲-۱. دوقلوهای انگلی

در دوقلوهای انگلی^۱ تنها یکی از دوقلوهای به‌هم‌چسبیده، سالم است که در علم پزشکی، اتوزیت^۲ نامیده می‌شود و دیگری ناقص است که پارازیت^۳ نام دارد (Belachew et al., 2018, p 44). جنین ناقص علایم و شرایط استمرار حیات را ندارد و ادامه حیات نوزاد سالم را با مشکل روبه‌رو می‌کند. در اطلاق اسم دوقلوهای به‌هم‌چسبیده برای این نوزادها اختلاف نظر وجود دارد؛ چراکه تنها یکی از آن دو شرایط ادامه حیات را دارد. پزشکان معتقدند که دوقلوهای انگلی نمی‌توانند به‌طور مستقل در این حالت زندگی کنند و می‌توان عضو اضافه را خارج کرد تا جنین با اندام‌های کامل خود باقی بماند (محمد منصور علی، ۲۰۱۳ م، ص ۲۱-۲۲). یکی از موارد نادر این است که یک دوقلو در داخل یک دوقلو دیگر وجود داشته باشد و در درون

-
1. Heteropagus (parasitic) twins
 2. Autosite
 3. Parasite

جنین اصلی، شبیه به یک تو‌مور پنهان باشد که احتمال وقوع این اتفاق یک مورد در هر میلیون تولد است (محمود ادریس، ۲۰۱۰ م، ص ۷۰).

دو نظریه در خصوص علت این امر بیان شده است، قدیم‌ترین نظریه، نظریه شکافت^۱ است که مطابق آن تخمک بارور شده به‌طور ناقص تقسیم می‌شود. نظریه دوم که بیشتر مورد قبول متخصصان است، نظریه همجوشی^۲ است که در آن تخمک بارور شده به‌طور کامل تقسیم می‌شود؛ اما سلول‌های بنیادی (که به‌دنبال سلول‌های مشابه هستند) نمونه‌ای از سلول‌های بنیادی را روی دوقلوی دیگر پیدا می‌کنند و با هم تولید می‌شوند (Belachew et al., 2018, p 44). این مورد به میزان یک مورد در هر ۱۸۹۰۰۰ تولد اتفاق می‌افتد که این میزان در آسیای جنوب شرقی، آفریقا و برزیل تا حدودی بالاتر است (محمد منصور علی، ۲۰۱۳ م، ص ۲۳).

۲-۲. دوقلوهای به‌هم‌چسبیده کامل

در دوقلوهای به‌هم‌چسبیده کامل^۳ برخلاف دوقلوهای انگلی، هریک از قل‌ها دارای قابلیت ادامه حیات است و به‌همین‌منظور از کلمه کامل در اینجا استفاده می‌شود. دوقلوهای به‌هم‌چسبیده کامل، نوعی از دوقلوهای همسان هستند که به‌دلیل جدا شدن دیر هنگام سلول جنینی، دوقلوهایی با یک کیسه آمنیوتیک و جفت ایجاد می‌شوند. این دوقلوه‌ها به‌دلیل جدایی ناقص بین دو لوب اصلی جفت، می‌توانند به هم متصل شوند و از حیث نواحی مشترک و تعداد نقاط مشترک به چند دسته تقسیم می‌شوند (Boer; Schepens-Franke & Oostra, 2019, p 729; Boer; Schepens-Franke; Winter & Oostra, 2021, p 850; Spencer, 2001, p 430). با توجه به اینکه ذکر تمام اقسام یادشده، موضوع این پژوهش نیست، صرفاً چند مورد شایع، بیان می‌شود؛ مانند چسبندگی از ناحیه پهلو و دست و پا که در این مورد، چسبیدن نوزادان به هم از ناحیه پهلو است، جایی که دوقلوه‌ها دو یا سه یا چهار دست و پا می‌توانند داشته باشند و

1. Fission theory
2. Fusion theory
3. Complete twins

فرایند جداسازی امکان‌پذیر است؛ اگر چه ممکن است به‌دلیل عوارض ناشی از عمل جراحی، با دست‌وپای مصنوعی زندگی کنند. چسبندگی می‌تواند از ناحیه لگن نیز رخ دهد که در این حالت دوقلوهای به‌هم‌چسبیده معمولاً به سمت قدامی یا شکمی به‌هم‌چسبیده‌اند و دوقلوها اغلب در روده، مثانه، اندام تناسلی و کلیه مشترک هستند. میزان موفقیت در جداسازی این نوع دوقلوها و زنده‌ماندن آن‌ها بالا است، اگر چه ریسک آسیب به سیستم ادراری یا عملکرد قوای جنسی وجود دارد. همچنین امکان چسبندگی از ناحیه سر نیز وجود دارد که در این حالت، چسبندگی از سمت خلفی یا جانبی سر است و امکان جداشدن دوقلوها وجود دارد، البته بروز آسیب مغزی نیز شایع است.

۳. وحدت یا تعدد شخصیت دوقلوهای به‌هم‌چسبیده

درباره شخصیت وجودی دوقلوهای به‌هم‌چسبیده یک پرسش بنیادی این است که آیا از نظر حقوقی آن‌ها را باید یک نفر محسوب داشت یا دو نفر؟ (وجدانی فخر، ۱۳۸۴، ج ۱۲، ص ۳۳۸) معیار تشخیص این مهم چیست؟ پاسخ به این سؤال نقش تعیین‌کننده‌ای درباره احوال شخصیه دوقلوهای به‌هم‌چسبیده دارد. این اهمیت از آن رو است که در صورت اعتقاد به وحدت شخصیت دوقلوها، برای نمونه، امکان ازدواج برای آن‌ها وجود دارد. بدین منظور در ادامه تلاش می‌شود تا ضوابطی که برای تشخیص وحدت یا تعدد شخصیت دوقلوهای به‌هم‌چسبیده به کار می‌رود، شناسایی و تحلیل شود.

صرف‌نظر از دیدگاه آن دسته از فقیهانی که دوقلوهای به‌هم‌چسبیده را به‌طور مطلق یک نفر در نظر می‌گیرند،^۱ مطالعه نظر محققان حکایت از آن دارد که آن‌ها اصولاً برای واحد یا متعدد محسوب کردن شخصیت دوقلوهای به‌هم‌چسبیده، به عوامل و معیارهای ذیل توجه می‌کنند:

الف - اگر دوقلوهای به‌هم‌چسبیده در امور طبیعی از قبیل قضای حاجت و تنفس و مانند

۱. در این خصوص برای نمونه برخی از مؤلفان به قول شافعی استناد می‌کنند که گفته است: «اگر کسی با زنی هم‌بستر شود، زن باردار شود و از شکم او، دو جنین با سرها یا بدن‌های به‌هم‌چسبیده خارج شود، آن‌ها یک نفر حساب می‌شوند» (محمد منصور علی، ۲۰۱۳، م، ص ۵۵).

این‌ها مشترک باشند، یک نفر حساب می‌شوند؛ اما اگر هر یک از آن‌ها اندام جنسی جداگانه‌ای برای قضای حاجت داشته باشند، در این صورت دو نفر حساب می‌شوند. این قاعده درباره خوابیدن آن‌ها نیز صدق می‌کند. اگر هر دو باهم خروپف کنند، یک نفر و اگر هر یک به‌طور جداگانه خروپف کنند و در خواب از خود صدا در آورند، دو نفر حساب می‌شوند (میمان، ۲۰۱۰ م، ص ۹). همچنین گفته‌اند کسی که دو سر دارد، اگر یکی از سرهایش خواب باشد و دیگری بیدار باشد، دو نفر و چنانچه برعکس باشد یک شخصیت محسوب می‌شوند (ابن سعید، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۱۱). از جمله دلایل این معیار استناد به روایت حضرت علی (ع) است که فرمود: «آن‌ها را به حال خود رها کنید تا اینکه به خواب روند و سپس آن‌ها را بیدار کنید. اگر دو نفر با هم بیدار شدند، ارث بر یک نفر و اگر یکی بیدار شد و دیگری نشد، ارث به دو نفر خواهد رسید» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۲۲۸). از نظر سندی این روایت به دلیل وجود روایان مجهول (علی بن احمد بن اشیم و محمد بن قاسم جوهری) ضعیف به شمار می‌آید؛ اما با عنایت به عمل مشهور فقها به آن، ضعف سندی جبران شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۱۵۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۲۹؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۹، ص ۵۰۹؛ نراقی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۹، ص ۴۵۱). از جمله پرسش‌های قابل طرح درخصوص این روایت، قلمرو شمول آن است. آیا این روایت مختص ارث است یا عمومیت دارد و در تمام ابواب از جمله ازدواج کاربرد دارد؟ سه دیدگاه در پاسخ به این پرسش ابراز شده است: عده‌ای از فقها معتقدند روایت مذکور مختص باب ارث است و بر همین اساس نمی‌تواند به‌عنوان ضابطه‌ای کلی برای تشخیص وحدت و تعدد شخصیت دو قلوهای به‌هم‌چسبیده مورد استناد قرار گیرد (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۹۸؛ طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۴، ص ۱۱۷). مشهور فقها بیان کرده‌اند که روایت پیش‌گفته حاکی از ضابطه‌ای کلی است؛ زیرا طبق متفاهم عرفی، طریق یادشده در روایت، طریقی است برای شناخت واقع و از این حیث خصوصیتی در میراث نیست (صاحب‌جواهر، ۱۳۶۲ ق، ج ۳۹، ص ۲۹۸؛ خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۳۸۰؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۳۶۰؛ روحانی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۴۱۳). برخی از فقیهان هم قائل به تفصیل شده‌اند؛ به این صورت که در شهادت حسب ضابطه یادشده در روایت عمل می‌شود؛ یعنی اگر هر دو با هم بیدار شوند، شهادت آن‌ها شهادت

یک نفر قلمداد، و در غیر این صورت شهادت دو نفر محسوب می‌شود؛ اما در ازدواج مطلقاً واحد هستند و ضابطه فوق اعمال نمی‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۳۹۲؛ حسینی عمیدی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۴۱۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۸، ص ۲۰۷).

همچنین ابن‌قیم رخدادهای منسوب به عمر بن خطاب و علی بن ابی‌طالب را چنین نقل می‌کند که: محمد بن سهل از عبدالله بن محمد بلوی به نقل از عماره بن زید از عبدالله بن عاص از ابی سلمه ابن عبدالرحمن روایت می‌کند که دوقلویی با دو سر، چهار دست و چشم و پا، دو دهان، دو باسن و آلت تناسلی نزد عمر بن خطاب آمدند، عمر امام علی (ع) را فراخواند و پرسید: این‌ها چگونه ارث می‌برند؟ علی بن ابی‌طالب (ع) فرمود: برای فهم این مسئله، دو راه وجود دارد: راه نخست هنگام خواب آن‌ها است؛ اگر هر دو هم‌زمان خوابیدند، یک نفرند و اگر با فاصله از هم خوابیدند، دو نفر محسوب می‌شوند. حالت دوم در زمان خوردن و نوشیدن است. اگر بعد از خوردن و آشامیدن، هر دو آن‌ها با هم قضای حاجت کردند، یک نفر محسوب می‌شوند و اگر جداگانه (دستگاه دفع ادرار و مدفوع مجزا) قضای حاجت کردند، دو نفر به شمار می‌آیند (ابن‌قیم جوزیه، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۳۴-۱۳۵). سند این روایت به دلیل وجود محمد بن سهل، عبدالله بن محمد بلوی و عماره بن زید ضعیف است (ذهبی، ۱۳۸۲ ق، ج ۴، ص ۱۸۴، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۵۹۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳، ص ۳۹۵)؛ با وجود این، حالت اول مقرر در روایت، همان معیار مذکور در روایت قبلی است که مشهور فقها به آن استناد و عمل کرده‌اند. به‌رروی، یکی از معیارهای مطرح‌شده در موضوع، صرف‌نظر از قوت و ضعف دلایل ابرازی آن، همین معیار است.

ب - اگر یکی از دوقلوها طبیعی و دیگری انگلی (ناقص یا اساساً مرده) باشد، در این موارد دوقلو یک نفر حساب می‌شود. حتی اگر قل ناقص دارای روح باشد و حرکت کند نیز آنچه آمد صدق می‌کند؛ زیرا یکی از آن دوقلوها ناقص یا حتی ممکن است مرده باشد یا ریسک عمل جداکردن آن‌ها بالا باشد. در این صورت دوقلوها یک نفر حساب می‌شوند (محمد منصور علی، ۲۰۱۳ م، ص ۵۳). شایان ذکر است اگر یکی از دوقلوها در بدن قل دیگر باشد، اعتنایی به او نمی‌شود.

ج - تفاوت در خلق و خو و وجود یا عدم وجود اختلاف نظر میان دوقلوهای به هم چسبیده نیز می تواند طریقی برای تشخیص وحدت و تعدد شخصیت دوقلوهای به هم چسبیده به شمار آید؛ برای نمونه ممکن است یکی از آنها آرام و دیگری ناآرام یا یکی به کارهای عجیب دست زند و دیگری این گونه نباشد. در این خصوص می توان به دوقلوهای به هم چسبیده بونکر که در سال ۱۸۱۱ در شهر سیام به دنیا آمدند و ۶۳ سال با هم زندگی کردند، اشاره داشت. بین آنها اختلاف شدیدی، به ویژه بعد از سن بلوغ ایجاد شد و کار بدان جا رسید که یکی از آنها مجبور شد از برادر دوقلویش به دلیل نوشیدن مشروبات الکلی شکایت کند. البته در این پرونده حکم به نفع برادرش صادر شد؛ چراکه منع شراب در جامعه ای که مصرف مشروبات الکلی در آن مجاز و قانونی است، امری دشوار و غیرممکن تلقی می شود؛ از این رو دادگاه صرفاً توصیه به رعایت تعادل در مصرف مشروب کرد (محمد منصور علی، ۲۰۱۳ م، ص ۵۵). همچنین ممکن است تفاوت مزاج به این صورت باشد که یکی از دوقلوها به مطالعه، و دیگری به بازی های رایانه ای علاقه داشته باشد. مانند دوقلوهای ایرانی (لاله و لادن) که لاله علاقه داشت در تهران بماند و روزنامه نگار شود؛ ولی لادن علاقه مند بود به شهرستان خودشان برگردد و به وکالت بپردازد (روزنامه هفت صبح، ۱۴۰۱ ش، مندرج در سایت <https://7sobh.com>).

د - معیار دیگر توجه به وحدت یا تعدد اندام های حیاتی است. اگر دوقلوهای به هم چسبیده در یکی از اندام های حیاتی بدن، مانند مغز و قلب مشترک باشند و جداسازی آنها بدون ازدست دادن یکی از آنها ممکن نباشد، باید آنها را دارای شخصیت واحد به شمار آورد (محمد منصور علی، ۲۰۱۳ م، ص ۵۴). این در صورتی است که اگر دارای اعضای حیاتی جداگانه باشند، دو نفر محسوب می شوند و هر یک حقوق جداگانه دارند (ربیع، ۲۰۰۹ م، ص ۲۲۲).

ه - برخی قضاوت عرف را ملاک شناسایی وحدت یا تعدد می دانند (شری، ۲۰۱۰ م، ص ۳۷). البته نباید از نظر دور داشت که عرف در داوری نهایی خود ناگزیر به معیارهایی نظیر آنچه در بالا بیان شد، توجه خواهد کرد.

با توجه به آنچه آمد، درخصوص اینکه دوقلوهای به‌هم‌چسبیده یک نفر به شمار می‌آیند یا دو نفر، و همچنین عوامل و معیار شناسایی این امر، اختلاف نظر وجود دارد. به نظر نگارندگان دیدگاه قوی‌تر توجه به سلاقی است. خداوند می‌فرماید: «برای هیچ مردی در سینه دو قلب قرار ندادیم»^۱. مطابق این آیه ملاک تعدد شخصیت، تعدد قلب است. براین اساس اگر دوقلوه‌ها دارای یک قلب باشند، یک شخص، و اگر دارای دو قلب باشند، دو شخص محسوب می‌شوند. موسوی خوانساری در تفسیر این آیه می‌گوید:

مراد، دو قلب متضاد است که یکی چیزی را دوست بدارد و دیگری کراهت داشته باشد یا یکی از آن‌ها قومی را دوست داشته باشد و دیگری دشمن آن‌ها باشد و ممکن است کسی که دارای دو سر است با اختلاف در خواب و بیداری، دو نفر باشند (۱۳۶۴، ج ۵، ص ۳۸۳). درحقیقت تعدد شخصیت به تعدد روح وابسته است. برای نمونه غیرممکن است یک شخص در یک لحظه هم به موسیقی علاقه‌مند باشد، هم به مطالعه؛ ازاین‌رو این تعدد سلاقی است که نشان‌دهنده تعدد یا وحدت شخصیت دوقلوه‌ها است.

۴. فروض مختلف درباره ازدواج دوقلوهای به‌هم‌چسبیده

در صورتی که امکان جداسازی دوقلوهای به‌هم‌چسبیده وجود داشته باشد، ازدواج هرکدام از آن‌ها بعد از جدایی با مانعی روبه‌رو نیست و مشمول حکم جواز ازدواج است. همچنین در مورد دوقلوهای انگلی از آنجایی که یک نفر محسوب می‌شوند و قل دیگر همانند اندام اضافی است، ازدواج فاقد اشکال است. اما این موضوع در مورد دوقلوهای به‌هم‌پیوسته کامل جای تأمل دارد. در این خصوص فقیهان بین حالتی که محل چسبندگی و اشتراک دوقلوه‌ها، آلت جنسی است با حالتی که چسبندگی و اشتراک در اعضای دیگر است، فرق می‌نهند. به بیان دیگر مجزا یا مشترک بودن آلت جنسی، تغییری تأثیرگذار در شناسایی پاسخ محسوب می‌شود. ازاین‌رو در ادامه ابتدا ازدواج دوقلوهای به‌هم‌چسبیده کامل که اندام جنسی مجزا دارند بررسی، و سپس ازدواج دوقلوهای به‌هم‌چسبیده کاملی که اندام‌های جنسی مشترک دارند، مطالعه می‌شوند.

۱. «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب/۴).

۱-۴. ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده کامل دارای آلت جنسی مجزا

در این خصوص میان فقیهان اختلاف نظر زیادی دیده می شود. در ادامه ابتدا گزارشی از آراء موجود بیان، و سپس آن‌ها را تجزیه و تحلیل می کنیم.

۱-۱-۴. دیدگاه فقهای امامیه

در فقه امامیه اصولاً توجه معطوف به دوقلوهایی است که اندام پایین تنه واحدی دارند و بیشتر بر نحوه ارتبوری آن‌ها بحث می شود. در دوره معاصر از جمله فقهایی که در این خصوص اظهار نظر کرده اند، شهید صدر است. ایشان معتقد است:

هر کس دو سر داشته باشد، اگر بنابر نصوص شرعی حکم بر یک نفر بودن آن‌ها داده شود، تنظیم احکام ازدواج و طلاق و بقیه اشکال معاملات تنها بر این نفر تعمیم می پذیرد؛ ولی اگر دو نفر حساب شوند، دو نفس با اعضای مشترک، ازدواج آن‌ها منافی احتیاط واجب است؛ از این رو ازدواج دوقلوهای به هم پیوسته چه زن و چه مرد جایز نیست (۱۳۸۴، ص ۱۶۹).

گفته ایشان مطلق است و شامل دوقلوهای به هم چسبیده دارای آلت جنسی مشترک نیز می شود؛ لیکن به نظر می رسد در نظر ایشان، ازدواج در فرض تعدد شخصیت دوقلوه‌ها، صرف نظر از وحدت یا دوگانگی آلت جنسی، مانع احتیاط واجب است. در مقابل، امام خمینی دوقلوهای به هم چسبیده لاله و لادن را که از ناحیه سر به هم چسبیده بودند، دو نفر محسوب، و ازدواج را برای آن‌ها با مراعات وظایف و شرایط شرعیه جایز قلمداد کرد (۱۳۹۲، ص ۴۱۹). در خصوص فتوای امام خمینی از آنجایی که ناظر بر دوقلوهای کاملی است که محل چسبندگی آن‌ها از ناحیه سر است، می توان گفت ایشان با توجه به ضرورت ازدواج، حتی اگر امکان ستر عورت نباشد، حکم به جواز کرد که به نظر می رسد این دیدگاه در صورت تحقق تعدد شخصیت دوقلوهای به هم چسبیده دارای آلت جنسی مجزا، از حیث ضابطه فقهی (خواب و بیداری) و پزشکی (داشتن اندام حیاتی مجزا) قابل دفاع به نظر می رسد.

برخی از فقهای معاصر نیز بر این نظرند که احتیاط آن است در جایی که دوقلوهای به هم چسبیده دارای آلت جنسی مجزا، بدون تحمل عسر و حرج شدید، امکان ترک ازدواج دارند، از انجام این مهم صرف نظر کنند و اگر ناچار از ازدواج اند، آن دو دختر می توانند به نوبت به

ازدواج مرد واحدی در آیند. به این ترتیب که آن مرد یکی را به عقد خود در آورد و بعد از طلاق و گذشتن عده، دیگری را عقد کند (البته برای اینکه گرفتار مشکلات طلاق‌های متعدد نشوند می‌تواند از عقد موقت استفاده کند). دربارهٔ دو پسر نیز احتیاط آن است که اگر ممکن است، ازدواج نکنند و در صورت ضرورت، انتخاب یک همسر در زمان واحد جایز نیست، ولی می‌تواند به طریق بالا با یک زن ازدواج کنند (پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی، بی‌تا، مندرج در سایت <https://makarem.ir>). در تحلیل این فتوا می‌توان گفت از یک سو ایشان به نحو مطلق و بدون در نظر گرفتن محل چسبندگی بین دوقلوها، با ازدواج هم‌زمان آن‌ها مخالفت کرده‌اند؛ امری که خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اگر محل چسبندگی از ناحیهٔ پشت باشد، امکان ستر عورت وجود دارد؛ بنابراین نمی‌توان به طور مطلق و بدون لحاظ محل چسبندگی، ازدواج هم‌زمان آن‌ها را ممنوع قلمداد کرد. از سوی دیگر ازدواج غیر هم‌زمان با یک مرد و زن، مشکل ممنوعیت جمع بین دو خواهر و ممنوعیت ازدواج دو مرد با یک زن را بر طرف می‌کند؛ لیکن دلیلی مبنی بر اینکه باید آن‌ها به نوبت و صرفاً با یک مرد یا یک زن ازدواج موقت کنند، وجود ندارد. افزون بر این مشخص نیست که در صورت تحقق نزدیکی و تولد فرزند در ازدواج یکی از دوقلوها، تکلیف قل دیگر چه خواهد بود؟ لذا به نظر می‌رسد این حکم در برخی موارد منتج به ضرر و عسر و حرج قل دیگر خواهد شد که برخلاف قواعد لاضرر و عسر و حرج است.

از دیگر فقهای امامیه که در این خصوص اظهار نظر کرده‌اند، آیت الله سیستانی است. ایشان معتقد است ازدواج کلیهٔ دوقلوهای به هم چسبیده اعم از آنکه دارای وحدت یا تعدد آلت جنسی باشند، چون امکان ستر عورت وجود ندارد، جایز نیست (سایت اسلام کوئست، ۱۳۹۷، مندرج در سایت <https://www.islamquest.net>). حکم ممنوعیت ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده به نحو مطلق ایراد دارد؛ زیرا در برخی از موارد امکان ستر عورت وجود دارد و توجه به محل چسبندگی موجب تمایز حکم است.

آیت الله علوی گرگانی نیز بر این نظر است که صرفاً در صورتی که دوقلوهای مذکور دختر

باشند، ازدواج آن‌ها با یک مرد اشکال ندارد؛ ولی ازدواج با دو مرد همراه با اشکال است (سایت اسلام کوئست، ۱۳۹۷، مندرج در سایت <https://www.islamquest.net>). این نظر از آنجایی که قائل به جواز ازدواج دوقلوهای دختر و محرومیت ازدواج دوقلوهای پسر بدون وجود دلیل خاص و صرفاً براساس جنسیت است، حکمی تبعیض‌آمیز و قابل انتقاد به نظر می‌رسد. افزون‌بر آن در این نظر ازدواج خواهران با یک مرد به‌طورمطلق (هم‌زمان یا با تقدم و تأخر) و برخلاف حکم ممنوعیت جمع ازدواج هم‌زمان بین دو خواهر، جایز شمرده شده است.

۲-۱-۴. دیدگاه فقهای اهل سنت

در میان فقهای اهل سنت هم امکان ازدواج برای این اشخاص مخالفان و موافقانی دارد و به متغیرهای مختلفی توجه شده است. عمده دلایل مخالفان بدین شرح است که مشاهده عورت دیگری حرام است؛ در نتیجه ازدواج این اشخاص پذیرفتنی نیست. برای نمونه مرکز پژوهش‌های دانشگاه الأزهر با توجه به موضوع حرام بودن مشاهده عورت، تمایل به حرام بودن ازدواج این اشخاص دارد. مطابق این نظر هر نوع ازدواج دوقلوهای به‌هم‌چسبیده به شرطی که امکان ستر عورت نباشد، حرام است (سنیدی، ۲۰۱۱ م، ص ۳۷۸). افزون‌بر آن امکان ایفای تعهدات ناشی از ازدواج مانند تمکین و تصمیم‌گیری در منزل که از حقوق زوج به شمار می‌آید، وجود ندارد. ابن‌قیم با استناد به روایت امام علی (ع) که به آن اشاره شد، سخنی را از امام علی (ع) روایت می‌کند که فرمود: جماع در حالتی که چشمی دیگر نظاره‌گر آن باشد، جایز نیست و در ادامه فرمود: اگر آن‌ها (برادران دوقلو) گرفتار شهوت شوند، هر دو خیلی زود خواهند مرد. این اتفاق افتاد. دیری نگذشت که دو برادر در فاصله‌ی نه‌چندان دوری از یکدیگر درگذشتند (نک: محمد منصور علی، ۲۰۱۳ م، ص ۷۱-۷۳).

موافقان پذیرش ازدواج، دلایل مزبور را مورد مناقشه قرار داده‌اند. برای نمونه برخی از فقها نگاه منعطف‌تری به موضوع حرام بودن مشاهده عورت دیگری دارند و بر این نظر هستند که ازدواج جایز است؛ لیکن باید تا حد امکان ستر عورت صورت پذیرد (بجیرمی، ۱۴۲۷ ق، ج ۳، ص ۳۲۹؛ قلیوبی، و برلسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۱۴۱). همچنین برخی از فقهای متأخر مذهب

شافعی ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده را جایز می‌دانند. این دیدگاه دار الإفتاء مصر با استناد به فتوای علامه عبدالملک سعدی است. همچنین در مقدمه شرح بیجرمی به قلم علی خطیب آمده است که: ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده فارغ از مرد یا زن بودن، جایز است؛ اما تا حد امکان ستر عورت رعایت شود. همچنین برخی به مجزا بودن اندام‌های تناسلی این قسم از دوقلوهای به هم چسبیده برای اثبات پذیرش امکان ازدواج آن‌ها اشاره دارند. برای نمونه علی منهج در مقدمه شرح قلیوبی می‌گوید: حتی اگر آن‌ها به هم چسبیده باشند، چون اعضای بدن و شرمگاه‌های مجزایی دارند، پس دو نفر محسوب می‌شوند و سوای اینکه مرد و زن باشند می‌توانند ازدواج کنند؛ اما اگر یکی از آن‌ها دچار نقص عضو بود، در این صورت آن‌ها استقلال خود را از دست می‌دهند و هر دو یک نفر حساب می‌شوند. اگر یکی خواب و دیگری بیدار باشد آن‌ها دو نفر حساب می‌شوند و در غیر این صورت یک نفر هستند (نک: قلیوبی، و برلسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۷۴). برخی نیز بر همین بنیاد، امکان ازدواج را به رسمیت می‌شناسند و صرفاً رابطه جنسی را همراه با اشکال می‌دانند. برای مثال از شیخ علامه اشرف تهانوی سؤال شد که اگر با وجود چسبیدگی دوقلوها از ناحیه لگن، از حیث اعضای تناسلی خود که محل آمیزش و قاعدگی است، مستقل باشند، آیا ازدواج آن‌ها جایز است؟ او فتوا داد که ازدواج مشروط به عدم جماع جایز است. جایز نیست که مثلاً یک نفر با یکی از دو خواهران دوقلوی به هم چسبیده جماع کند؛ چراکه جماع در حضور نامحرم جایز نیست. لذت جنسی آن‌ها تنها از راه بوسه و لمس و نگاه کردن به همدیگر میسر است (نک: قلیوبی، و برلسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۷۴-۷۵).

۳-۱-۴. دیدگاه منتخب

در این میان به نظر می‌رسد باید نظر موافقان ازدواج اشخاص مزبور را تأیید کرد؛ زیرا صرف نظر از اینکه تمام هدف از ازدواج برقراری رابطه جنسی به شمار نمی‌آید، باید گفت اگر مکلف نهایت تلاش خویش را انجام دهد، اما موفق به ستر عورت نشود، به دلیل عسرو حرج و به حکم قاعده «ضرورات حرام را حلال می‌کند» از مجازات اخروی معاف است؛ بر همین اساس به این

دلیل نمی‌توان مانع استفاده دوقلوهای به‌هم‌چسبیده از حق قانونی خویش شد. بنا به آنچه بیان شد، در فرضی که امکان نزدیکی بدون ضرر به قل دیگر وجود داشته باشد، نمی‌توان به‌صرف حرام بودن مشاهده عورت دیگری، حکم بر حرام بودن ازدواج دوقلوهای به‌هم‌چسبیده یاد شده کرد. نباید از نظر دور داشت در صورتی که مکلف تمام سعی و تلاش خویش را در خصوص انجام تکلیف نگاه‌نکردن به عورت دیگری انجام دهد، حتی اگر موفق نشود نیز مورد عفو است و عقوبت نمی‌شود؛ زیرا همان‌طور که خداوند فرموده است: «انجام تکلیف به میزان توانایی مکلف است»^۱. افزون‌بر آن بنا به قواعدی نظیر اضطرار و اهم و مهم، بین حرام بودن مشاهده عورت دیگری و افتادن به گناه زنا، اولویت جلوگیری از ارتکاب امر دوم است. حفظ عورت از حقوق الله (عدم زنا و انحرافات جنسی) و ازدواج حق بندگان خدا است؛ حق الناس بر حق الله مقدم است؛ چراکه پیشگیری از زنا یک ضرورت است. همچنین اینکه گفته شود در صورت ازدواج، زوج یا زوجة دوقلو قادر به ایفای وظایف زناشویی خویش در مقابل دیگری نیست نیز پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا مسلم است که ایفای وظایف زناشویی از حقوق شخص ذی‌نفع است و این حق مانند هر حق دیگری از سوی ذی‌حق قابل اسقاط است. نهایت اینکه خداوند در آیات متعددی^۲ لزوم ازدواج را بیان فرموده است که این خطاب شامل کلیه اشخاص از جمله دوقلوهای به‌هم‌چسبیده است. از یک سو می‌توان گفت با توجه به تعریف و ماهیت دوقلوهای مذکور و با عنایت به ضوابط فقهی و پزشکی، دوقلوهای مذکور اصولاً دارای تعدد شخصیت‌اند؛ بنابراین همان‌طور که در ارث دو نفر به شمار می‌آیند، در ازدواج نیز این قاعده جاری است. از سوی دیگر حتی اگر ازدواج آن‌ها به دلیل ستر عورت دیگری حرام باشد، باید مواردی که امکان ستر عورت وجود دارد، مشمول حکم جواز قرار گیرد. درباره روایت ابن‌قیم از امام علی (ع) با توجه به ضعف سندی حدیث، استناد به آن برای محروم کردن دوقلوا از حق ازدواج، پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد.

۱. «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/۲۸۶).

۲. مانند آیه «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (نور/۳۲).

شایان ذکر است عده‌ای از فقهای اهل سنت با توجه به اینکه علت عمدۀ برای مخالفت با ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده مشاهده عورت دیگری است، سعی کرده‌اند با طرح شرط عدم نزدیکی، این دلیل را رد کنند و راهکاری برای حل این اشکال شناسایی کنند. برای این منظور باید تأثیر شرط عدم جماع را در ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده بررسی کرد. تحقیق، حکایت از وجود سه دیدگاه در این خصوص دارد:

دیدگاه اول، بطلان شرط و صحت عقد است. غالب فقهای حنفی (بدرالعینی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵، ص ۱۶۶)، حنبلی (مرداوی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۶۵) و برخی از فقهای شافعی (امام الحرمین، ۱۴۲۸ ق، ج ۱۲، ص ۴۰۳) بر این نظرند و چنین شرطی را به دلیل اسقاط مالم یجب و مخالفت با مقتضای عقد باطل و غیرمبطل می‌دانند.

در دیدگاه دوم، افزون بر شرط، عقد هم باطل است. فقهای مالکی ضمن بیان این مهم، آن را با قصد طرفین منافی می‌دانند (خرشی، ۱۴۲۷ ق، ج ۳، ص ۲۷۸).

دیدگاه سوم که نظر برخی از فقهای شافعی است، حسب کسی که شرط را گذاشته است قائل به تفصیل می‌شود؛ به این صورت که اگر دوقلوی به هم چسبیده به عنوان زوج، شرط ازدواج بدون جماع را پیشنهاد کرده باشد، چنین ازدواجی باطل است؛ لیکن اگر دوقلو به هم چسبیده به عنوان زوجه، چنین شرطی را پیشنهاد کرده باشد، ازدواج صحیح است (نووی، ۱۴۱۲ ق، ج ۷، ص ۱۲۷؛ ماوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۹، ص ۵۰۷). از نظر فقهای شافعی، تفاوت بین این دو مورد در این است که قبولی شرط، مخصوص زوجه است، مانند رضایت زوجه به عنین (ناظمی‌زاده، نیک‌دوستی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۰). در رد این تفصیل می‌توان گفت در فرضی که یکی از دوقلوها بخواهد ازدواج کند، حکم موضوع چه خواهد بود؟ همچنین با توجه به عموم و اطلاق ادله و فای به شرط، تفاوتی بین زوج و زوجه در این خصوص وجود ندارد.

در فقه امامیه درباره شرط پیش گفته، به طور کلی بحث شده است و به طور خاص در موضوع دوقلوهای به هم چسبیده به آن اشاره‌ای نشده است. در خصوص وضعیت این شرط برخی فقها نظیر علامه حلی (۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۱۶۴) و شهید ثانی (۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۳۹۳) آن را

به دلیل مخالفت با مقتضای ذات عقد ازدواج، شرطی باطل و مبطل دانسته‌اند. عده قلیلی از فقها شرط مذکور را به دلیل مخالفت با حکم قرآن و سنت جزء شروط باطل دانسته‌اند؛ لیکن هیچ آیه یا حدیثی را جهت مستند نظریه خویش ارائه نکرده‌اند یا دلیل باطل بودن شرط را اسقاط ما لم یجب دانسته‌اند؛ در حالی که به نظر می‌رسد با تحقق ازدواج سبب اسقاط حق فراهم است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۵۸۹) افزون بر آن محال بودن اسقاط ما لم یجب از قواعد حاکم بر امور حقیقی است و شامل امور اعتباری نمی‌شود. عده کثیری از فقهای متقدم و معاصر نیز بنا به دلایلی، نظیر قاعده وفای به عهد و این آیه که هدف از ازدواج صرفاً ارضای غریزه جنسی نیست بلکه غایت اصلی آن ایجاد کانون آرامش است^۱، به صحت شرط عدم نزدیکی در ازدواج قائل هستند (آل‌عصفور، ۱۴۰۸ ق، ج ۲۴، ص ۳۳۲؛ طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۴، ص ۴۷۴).

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد با لحاظ جمیع جوانب و اینکه علت درج چنین شرطی رفع ممنوعیت مشاهده عورت است، باید به صحت شرط قائل بود؛ زیرا اولاً همان‌طور که برخی گفته‌اند، اگر مقتضای ذات و هدف اصلی ازدواج صرفاً رابطه جنسی میان زوجین است، باید ازدواج بین اشخاصی که فاقد توانایی جنسی هستند، مثل شخص عنن و قرن باطل اعلام می‌شد؛ حال اینکه این‌گونه نیست، بلکه اغراض عقلانی و عرفی فراوانی در ازدواج مترتب است؛ مثل حصول محرمیت، وصلت با خانواده شریف که تحقق هر یک می‌تواند مصحح عقد ازدواج باشد (خمینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۸۳؛ مغنیه، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۸۸). ثانیاً نزدیکی یا عدم نزدیکی میان زوجین از حقوق خصوصی اشخاص است و مابینتی نیز با نظم عمومی ندارد؛ بنابراین در فرض رضایت زوجین نمی‌توان قائل به بطلان آن بود (امامی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۷۷؛ صفائی، و امامی، ۱۳۸۸، ص ۶۵). ثالثاً درج چنین شرطی به نحو شرط نتیجه (اسقاط حق نزدیکی) به دلیل اینکه اسقاط حق به نحو جزئی است، مطابق با ماده ۹۵۹ قانون مدنی مشمول صحت محسوب می‌شود و به طریق اولی درج آن به نحو شرط فعل (تعهد به عدم نزدیکی) نیز فاقد اشکال است. رابعاً با عنایت به مشکلات جسمی دوقلوها و ضرورت امر

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱).

ازدواج و جلوگیری از ارتکاب گناه و از آنجایی که هدف از ازدواج منحصر به نزدیکی نیست، باید شرط عدم نزدیکی را در زمره شروط صحیح قلمداد کرد.

۲-۴. ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده کامل دارای آلت جنسی مشترک

اگر دوقلوهای به هم چسبیده دارای اندام جنسی مشترک باشند و به عبارتی دو بدن و دو سر روی یک کمر باشد، آیا ازدواج آنها در این حالت جایز است؟ تحقیق نشان می‌دهد امکان ازدواج در این حالت هم موافقان و مخالفانی دارد.

۱-۲-۴. دیدگاه فقهای امامیه

در فقه امامیه نظر اغلب فقها این است که دوقلوهای مزبور از حیث مرد و زن بودن در باب ازدواج، یک نفر به شمار می‌آیند. باین وجود از حیث ذکر صیغه عقد شرایط فرق می‌کند. صیغه قبول عقد توسط هر دو قل از دوقلوی به هم چسبیده لازم است و عدم قبول یا سکوت یکی از آنها صحت ازدواج را زیر سؤال می‌برد. در باب طلاق نیز از همین قاعده تبعیت می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۳۳۴-۳۳۵). عده‌ای از فقها مانند فاضل هندی (۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۳۰۹) و فخر المحققین (۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۶۸)، روایت قضاوت امام علی (ع) را درباره دوقلوهایی که دو سر و بدن روی یک کمر دارند و در آن ملاک وحدت یا تعدد، خواب آنها عنوان شده است^۱ صرف نظر از ضعف سندی، محدود به ارث دانسته‌اند و معتقدند در باب ازدواج، دوقلوهای به هم چسبیده مطلقاً واحد تلقی می‌شوند؛ لیکن در خصوص صیغه عقد باید هر دو ایجاب و قبول را انشاء کنند. حتی اگر مؤنث باشند بر مردی که سه زوجه دارد، جایز است که آنها را به عقد خود درآورد. علامه حلی نیز مطابق با استدلال فوق، عقیده دارد که آنها در ازدواج، واحد هستند، هر چند مؤنث باشند و مشمول حکم ممنوعیت جمع ازدواج دو

۱. امام صادق فرمود: «لما ولي عمر آتي بمولود له رأسان و بطنان و أربعة أيد و رجلان و قيل و دبر واحد، فنظر إلى شئ، لم ير مثله قط، نظر إلى أسنانه أعلاه اثنان و أسفله واحد، و قد مات أبوه، فبعضهم يقول: هو اثنان و يرث ميراث اثنين، و بعضهم يقول: واحد يرث ميراث واحد، فلم يدر كيف الحكم فيه، فقال: اعرضوه علي بن أبي طالب (عليه السلام)، و اطلبوا الحكم منه، فعرضوا عليه فقال علي (عليه السلام): «انظروا إذا رقد، ثم يصاح، فإن انتبه الرأسان جميعاً فهو واحد، وإن انتبه الواحد و بقي الآخر نائماً فاثنان». فقال عمر: لا أبقاني الله بعدك يا أبا الحسن (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷، ص ۲۶۶).

خواهر نمی‌شوند (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۳۹۲). کاشف الغطاء در توضیح نظر علامه می‌گوید: «منظور علامه این است که اگر هر دو زن هستند، یک نفر حساب می‌شوند، پس زوج غیر از او با سه نفر دیگر هم جایز است ازدواج کند؛ یعنی چهار زن اختیار کند و همچنین جمع بین دو خواهر اتفاق نمی‌افتد» (نک: صاحب جواهر، ۱۳۸۷، ص ۹۶). برخلاف فقهای فوق، برخی از فقها با این استدلال که ضعف سند روایتی که درخصوص ارث دوقلوها بیان شده است، به وسیله عمل مشهور جبران می‌شود، عقیده دارند درباب ازدواج نیز باید طبق روایت به وحدت و تعدد آنها توجه شود و دلیلی ندارد که به‌طور مطلق حکم بر وحدت آنها شود (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۱). حسینی مراغی هم معتقد است که اگر هر دو مذکر یا هر دو مؤنث باشند، اشکالی در ازدواج آنها نیست؛ لیکن اگر تعدد جنسیت داشته باشند، ممنوع است (۱۴۱۷ ق، ج ۱۱، ص ۷۰).

۲-۲-۴. دیدگاه فقهای اهل سنت

در میان فقهای اهل سنت هم صحت ازدواج در این فرض طرف‌دارانی دارد؛ برای نمونه ابن‌قیم و برخی از فقهای مالکی ازدواج این دوقلوهای به‌هم‌چسبیده را جایز می‌دانند. آنها به این قول شافعی، منقول از امام غزالی، استناد می‌کنند که زنی با دو سر (دوقلوی به‌هم‌چسبیده) با ۱۰۰ دینار مهریه ازدواج کرد و سپس طلاق گرفت (محمد منصور علی، ۲۰۱۳ م، ص ۹۷).

اگر دوقلوهای به‌هم‌پیوسته مرد باشند، آیا ازدواج یکی از آنها با یک زن یا هر دو آنها با دو زن جایز است؟ آیا باید برای هر یک خطبه‌ای جداگانه خواند؟ اگر ازدواج کردند در این صورت، جماع با دو خواهر و احکام بارداری و شیردادن چگونه خواهد بود؟ برخی از محققان در پاسخ به این‌گونه سؤالات، توجه را به مشترک یا مستقل بودن آلت تناسلی دوقلوهای به‌هم‌چسبیده معطوف می‌کنند. اگر آلت تناسلی آنها مشترک باشد، مسئولیت تولد و شیردادن با آن خواهر دوقلویی است که ازدواج کرده است؛ اما اگر دوقلوهای به‌هم‌چسبیده دختر، هر کدام واژن جداگانه‌ای داشته باشند، در این صورت آنها دو نفر محسوب می‌شوند و نمی‌توان هر دو آنها را با یک خطبه عقد کرد؛ چراکه آنها مستقل هستند. درباره بارداری و شیردادن نوزاد نیز

چنین است. پس از ازدواج یکی از آنها، نزدیکی یا لمس بدن او توسط شوهرخواهر حرام است؛ مگر در صورت ضرورت و اضطرار. در هنگام جماع هم باید نگاه و شرمگاه خود را تا حد امکان پوشیده نگاه دارد؛ چراکه امور مترتب با طلاق و زنا و نسب در گرو وجود و عدم آلت تناسلی است (جواد حسین، مکی جودی و شمیری، ۲۰۲۲ م، ص ۲۱۹).

در مقابل دیدگاه فوق، برخی از علمای مذهب مالکی از جمله قاضی عیاض بر حرمت ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده دارای اندام جنسی مشترک حکم کرده‌اند. خطاب می‌گوید قاضی عیاض و شاگردانش آنها را دو خواهر به هم چسبیده می‌دانند. مرکز پژوهش‌های الأزهر نیز با استناد به سخنان أحمد الطیار معتقد است ازدواج برای دوقلوهای به هم چسبیده مرد که یک آلت تناسلی مشترک دارند، حرام است. از سوی دیگر جماع هم‌زمان دو مرد با یک زن جایز نیست و به‌طور کلی این ازدواج حرام است. پس اگر جماع دو مرد با یک زن به‌طور هم‌زمان حرام است، بالتبع اگر یکی از این دوقلوهای به هم چسبیده عقد کنند، در واقع مرتکب زنا می‌شوند و این سؤال پیش می‌آید که بیچۀ حاصل از این ازدواج، متعلق به کدام یک از این دو برادر دوقلوی به هم چسبیده است (محمد منصور علی، ۲۰۱۳ م، ص ۲۳).

۳-۲-۴. دیدگاه منتخب

در این بخش ضمن رد نظریات مطرح شده، دیدگاه منتخب نگارندگان بیان می‌شود. درباره آن دسته از فقهایی که عقیده دارند باید میان ازدواج و دیگر عقود تفکیک قائل شد، می‌توان گفت این دوقلوها بالاتنۀ مجزایی دارند؛ اما با توجه به ماهیت و آثار عقد ازدواج به‌عنوان امری مستحب، باید در مواردی که مانعی نظیر ارتکاب حرام وجود دارد، از اصل اولای جواز ازدواج دست کشید و به عدم جواز قائل شد. افزون‌بر آن استدلال آن عده از فقهایی که قائل به جواز ازدواج به دلیل عسرو حرج ناشی از عدم ازدواج هستند، صحیح به نظر نمی‌رسد. در فرض وحدت آلت جنسی، برقراری رابطه جنسی موجب عسرو حرج برای قل دیگر است؛ از این رو حکم جواز ازدواج بین قل‌ها، ترجیح بلا مرجح به شمار می‌آید.

فرض ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده اعم از مذکر و مؤنث با دو نفر، به این صورت که هر قل به طور مجزا امکان ازدواج با شخصی را داشته باشد، ایراد دارد؛ زیرا یکی از آثار ازدواج، رابطه زناشویی است که این مهم با انعقاد ازدواج در رابطه زن و شوهر به وجود می‌آید و از آنجایی که عضو جنسی دوقلوه‌ها واحد است؛ از این رو با فرض نزدیکی یکی از آنها، نزدیکی برای دیگری سالبه به انتفاء موضوع است؛ چراکه تمتع جنسی برای طرف مقابل است و با توجه به وحدت آلت تناسلی، طرف مقابل ازدواج با دوقلوه‌ها، نمی‌تواند دو نفر باشد. از یک سو، در این فرض امکان ستر عورت وجود ندارد و می‌توان همانند ادله موافقان قائل به جواز شد؛ اما با توجه به واقعیت‌های عملی باید گفت رابطه جنسی در چنین فرضی خود می‌تواند موجب عسرو حرج باشد. از سوی دیگر، شاید بتوان استدلال کرد که در فرض درج شرط عدم نزدیکی، از آنجایی که موانعی نظیر ستر عورت و اختلاط نسب وجود ندارد و اینکه برقراری رابطه جنسی جزء ذات ازدواج به شمار نمی‌آید، باید قائل به صحت ازدواج آنها بود؛ لیکن در رد این استدلال می‌توان گفت از طرفی، با توجه به رابطه شرط و عقد، شرط نمی‌تواند موجبی برای حکم جواز نکاح قرار گیرد؛ زیرا شرط تابع عقد و فرع بر آن است و عکس آن صحیح نیست. از طرف دیگر در صورت تخلف از شرط نزدیکی، وضعیت نکاح چه خواهد بود؟ بنابراین به نظر می‌رسد حتی با شرط عدم نزدیکی نیز ازدواج آنها مشمول حکم جواز نیست.

همچنین فرض ازدواج دوقلوهای مورد بحث با یک نفر، در صورت تحقق تعدد شخصیت از حیث ضابطه فقهی و پزشکی، حتی با درج شرط عدم نزدیکی و ازدواج موقت نیز واجد ایراد است؛ زیرا درباره دوقلوهای مذکر باید گفت آنها نمی‌توانند با یک زن ازدواج کنند؛ زیرا ازدواج هم‌زمان دو مرد با یک زن امکان ندارد. در صورتی که دوقلوه‌ها مؤنث باشند هم باید در نظر داشت ازدواج یک مرد با هر دو موجب جمع بین دو خواهر می‌شود که ممنوع است. نظر آن دسته از فقهای که مبنای حکم ممنوعیت جمع بین دو خواهر را صرفاً جلوگیری از حسادت بین خواهران دارای آلت جنسی مجزا می‌دانند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۷۱)، قابل

رد است؛ زیرا با عنایت به آیه قرآن^۱ این موضوع ارتباطی به رابطه جنسی ندارد و مهم، ممنوعیت ازدواج با یک مرد است.

افزون بر مراتب فوق، به سادگی نمی توان دیدگاه آن دسته از فقیهانی را پذیرفت که برخلاف دیگر زمینه‌ها، صرفاً در باب ازدواج به طور مطلق به وحدت شخصیت دوقلوهای به هم چسبیده دارای آلت جنسی مشترک قائل هستند. این دوگانگی نتایج نامعقولی به همراه دارد. برای نمونه در فرض مؤنث بودن دوقلوها، نتیجه حاصله از پیروی این نظریه آن است که زوج در ازدواج یک نفر است لیکن در تقسیم ارث دو نفر محسوب خواهد شد. همچنین اگر دوقلوها مذکر باشند، در ازدواج، یک زوج محسوب می شوند؛ در حالی که در باب ارث، سهم دو مرد را خواهند برد.

به نظر می رسد براساس آنچه آمد، صدور حکمی فراگیر برای همه حالات دوقلوهای به هم چسبیده امری دشوار است. بهترین اقدام، مراجعه به پزشک متخصص جهت تعیین وحدت یا تعدد است. با توجه به اینکه از نظر پزشکی داشتن اندام حیاتی مستقل حاکی از تعدد شخصیت است و نیز دوقلوهای مذکور اندام بالاتنه متعددی دارند؛ بنابراین در بیشتر موارد آن‌ها دو نفر با آلت تناسلی مشترک تشخیص داده می شوند و ازدواج آن‌ها حرام است. ازدواج آن‌ها، یا جماع هم‌زمان دو مرد با یک زن، یا جماع یک مرد با دو خواهر به طور هم‌زمان است که هر دو حرام است. از سویی، مشکلات انتساب نسب فرزند هم قابل تصور است و مشخص نیست فرزند منسوب به کدام یک از آن‌ها است. از سوی دیگر حتی با درج شرط عدم نزدیکی نیز موانع نکاح (ستر عورت و اختلاط نسب) سالبه به انتفاء موضوع است و آثار و اهداف ازدواج نیز منحصر به رابطه جنسی نیست؛ اما با عنایت به فرعی بودن شرط، درباره عقد نمی توان حکم

۱. «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَالَاتُكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً» (نساء، ۲۳).

به جواز نکاح آن‌ها داد.

یافته‌های پژوهش

تولد دوقلوهای به‌هم‌چسبیده افزون بر ابعاد پزشکی، فرهنگی، روان‌شناسی، ابعاد حقوقی گسترده‌ای نیز به‌همراه دارد. در این نوشتار امکان‌سنجی ازدواج این اشخاص مطالعه و بررسی شد که نکات برجسته آن در ادامه بیان خواهد شد.

۱. در چهارچوب تعریفی که از مفهوم دوقلوهای به‌هم‌چسبیده بیان شد، مشخص شد که آن‌ها دارای صفات و جنسیت مشترک هستند و لقاح آن‌ها در تخمک مشترک انجام می‌گیرد، بدن‌های آن‌ها به‌هم‌چسبیده است و تنها از طریق عمل جراحی جدا می‌شوند.

۲. دوقلوهای به‌هم‌چسبیده از حیث ناقص یا کامل بودن و نواحی‌ای که به هم متصل هستند به دسته‌های مختلف تقسیم می‌شوند.

۳. درباره این مسئله که دوقلوهای به‌هم‌چسبیده یک نفر محسوب می‌شوند یا دو نفر و همچنین شناسایی معیار تشخیص این مهم، اختلاف نظر وجود دارد. در این خصوص باید میان دوقلوهای انگلی و دوقلوهای کامل به تفکیک قائل شد. به این صورت که در دوقلوهای انگلی با توجه به اینکه عضو زائد قابلیت ادامه حیات به‌طور مستقل را ندارد، باید وحدت شخصیت پذیرفته شود. درباره دوقلوهای کامل نیز اعم از آنکه دارای آلت جنسی واحد یا متعدد باشند، با عنایت به تعریف و ماهیت دوقلوهای یادشده و با توجه به ضابطه فقهی (خواب و بیداری) وضابطه پزشکی (تعدد اندام‌های حیاتی) در غالب موارد دارای تعدد شخصیت هستند. این قسم، دوقلوهای کاملی به شمار می‌آیند که صرفاً در برخی اجزا مشترک هستند و اندام حیاتی آن‌ها مستقل است.

۴. درباره حکم ازدواج دوقلوهای به‌هم‌چسبیده نمی‌توان جملگی انواع دوقلوه‌ها را مشمول حکم واحدی قرار داد. با توجه به اینکه دوقلوهای انگلی در واقع یک نفر محسوب می‌شوند و قل دیگر زائد به شمار می‌آید، ازدواج قل دیگر مشمول حکم صحت است. در خصوص دوقلوهای به‌هم‌چسبیده کامل هم باید با عنایت به اشتراک یا عدم اشتراک آلت تناسلی حکم

کرد؛ به این صورت که ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده کامل دارای اندام تناسلی مجزا بنا به دلایلی نظیر اطلاق آیات قرآن کریم مبنی بر لزوم ازدواج و قواعد فقهی اضطرار و اهم و مهم مشمول حکم صحت است؛ لیکن ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده کاملی که آلت تناسلی مشترک دارند، مشمول حکم حرمت است؛ زیرا ازدواج آنها یا جماع هم‌زمان دو مرد با یک زن یا جماع یک مرد با دو خواهر به‌طور هم‌زمان است که هر دو حرام است؛ از سوی دیگر بحث مشکل انتساب نسب فرزندان به آنها نیز وجود دارد؛ افزون‌براین حتی با درج شرط عدم نزدیکی نیز موانع نکاح (ستر عورت و اختلاط نسب) سالبه به انتفاء موضوع است و آثار و اهداف ازدواج نیز منحصر به رابطه جنسی نمی‌شود؛ اما با عنایت به فرعی بودن شرط، درباره عقد نمی‌توان حکم به جواز نکاح آنها کرد.

تحقیق نشان داد خلأهای تقنینی جدی درباره ترسیم وضعیت حقوقی دوقلوهای به هم چسبیده وجود دارد. به این منظور پیشنهاد می‌شود قانونگذار در فصل دوم قانون مدنی و در باب موانع ازدواج، ماده‌ای به شرح ذیل اضافه کند: «ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده، فارغ از جنسیت، به‌جز دوقلوهای به هم چسبیده که دارای آلت جنسی مشترک هستند، جایز است». همچنین پیشنهاد می‌شود در جلد دوم قانون مدنی، معیاری برای تمیز واحد یا متعدد بودن دوقلوهای به هم چسبیده در قالب تبصره‌ای به شرح ذیل به ماده ۹۵۶ اضافه شود: «معیار تشخیص وحدت و تعدد دوقلوهای به هم چسبیده، در مواردی که از حیث پزشکی امکان آن نباشد، تعدد روح است که می‌توان آن را با علائمی نظیر خواب و بیداری احراز کرد».

منابع

قرآن کریم.

آل‌عصفور، حسین بن محمد (۱۴۰۸ ق). *الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع*. قم: مجمع البحوث العلمیه.

ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه مدرسین

حوزه علمیه قم.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۹۰ ق). *لسان المیزان*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۰۸ ق). *البيان والتحصيل*. بیروت: دار الغرب الإسلامی.

- ابن سعید، یحیی بن احمد (۱۴۰۵ ق). *الجامع للشرائع*. قم: مؤسسة الإمام الصادق (علیه السلام).
 ابن سکیت، یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۳ ق). *إصلاح المنطق*. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
 ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۹۹ ق). *مقاییس اللغة*. قاهرة: دار الآفاق العربية.
 ابن قدامه، عبد الله بن احمد (۱۴۰۵ ق). *المغنی*. بیروت: دار الفکر.
 ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۲۸ ق). *الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة*. القاهرة: مطبعة المدني.
 ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر.
 أبو البصل، عبد الناصر موسی (۲۰۱۰ م). *نوازل التوائم المتصلة الأحكام المتعلقة بفصلها وميراثها وزواجها*. ریاض: للمجمع الفقهي.
 احمدیان، سید رضا (۱۳۹۲). *مسئولیت کیفری دوقلوهای بهم چسبیده درباب حدود در حقوق کیفری ایران* (پایان نامه کارشناسی ارشد). قابل ارزیابی از:
<https://ganj.irandoc.ac.ir/viewer/ea0a0ae6eeede30816d71a7a3d1924?sample=1>
 ازهری، محمد بن احمد (۲۰۰۱ م). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
 اسدی، لیلا (۱۳۹۳). *بررسی عبادات و احوال شخصیه مکلفان غیر عادی در فقه امامیه* (پایان نامه کارشناسی ارشد).
 قابل ارزیابی از:
<https://ganj.irandoc.ac.ir/viewer/ece69afa5ab2288691c5581e8eb12eed?sample=1>
 أطبان، ناصر عبدالله (۲۰۱۰ م). *أحكام الفقهية للتوائم المتلاصقة*. ریاض: للمجمع الفقهي
 امام الحرمین، عبد الملک بن عبد الله (۱۴۲۸ ق). *نهاية المطالب في دراية المذهب*. دمشق: دار المنهاج.
 امامی، حسن (۱۳۶۳). *حقوق مدنی*. تهران: کتاب فروشی اسلامی.
 بجیرمی، سلیمان بن محمد (۱۴۲۷ ق). *حاشية البجيرمي على شرح منهج الطلاب (التجريد لنفع العبيد)*. بیروت: دار الفکر.
 بدرالعینی، محمود بن احمد (۱۴۲۰ ق). *البنایة شرح الهدایة*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
 جواد حسین، اثیر؛ مکی جودی، حسنین؛ و شمیری، حیدر حسین (۲۰۲۲ م). *أحكام الأحوال الشخصية للتوائم السيامي المتلاصق (دراسة قانونية استقرائية في ضوء الفقه اسلامي)*. *مجلة اهل بيت عليه السلام*، ۱ (۳۰)، ص ۲۰۴-۲۲۵.
 جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ق). *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية*. بیروت: دار العلم للملایین.
 حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۸ ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 حسینی سیستانی، علی (۱۴۱۶ ق). *منهاج الصالحین*. قم: مکتب آية الله العظمی السيد السیستانی.
 حسینی شیرازی، صادق (۱۴۲۵ ق). *التعليقات على شرائع الإسلام*. قم: استقلال.

حسینی عمیدی، عمید الدین (۱۴۱۶ ق). *کنز الفوائد في حل مشكلات القواعد*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حسینی مراغی، عبد الفتاح بن علی (۱۴۱۷ ق). *العناوين الفقهية*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خرشی، ابو عبدالله محمد (۱۴۲۷ ق). *شرح مختصر تحلیل*. بیروت: دار الفکر.

خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *استفتائات امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خمینی، روح الله (بی تا). *البیع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین*. قم: مدینه العلم.

ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۸ ق). *المغنی فی الضعفاء*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۸۲ ق). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*. بیروت: دار المعرفه للطباعة والنشر.

ربیع، عبد الله بن عبد العزیز (۲۰۰۹ م). *تجربتي مع التوائم السيامية*. ریاض: مكتبة العبکان.

رحیمی عنا، نرگس (۱۴۰۰ ش). *بررسی فقهی و حقوقی احکام دوقلوهای بهم چسبیده* (پایان نامه کارشناسی ارشد). قابل ارزیابی از:

<https://ganj.irandoc.ac.ir/viewer/85d7e8808786fd99eefc861135774d9c?sample=1>

روحانی، محمدصادق (۱۴۲۹ ق). *منهاج الصالحین*. قم: اجتهاد.

سنیدی، فهد بن عبدالکریم (۲۰۱۱ م). *أحكام الأجنة المتلاصقة*. ریاض: مكتبة عين الجامعة.

شتری، سعد بن ناصر (۲۰۱۱ م). *التوائم المتلاصقة السيامية*. ریاض: المجمع الفقهي اسلامی.

شریینی، محمد بن احمد (۱۴۲۴ ق). *القناع في حل ألفاظ أبي شعاع*. بیروت: دار الفکر.

شمس الأئمه سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۰۹ ق). *المبسوط*. بیروت: دار الفکر.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ ق). *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۳۸۷). *أنوار الفقاهة*. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۳۶۲ ق). *جواهر الكلام في شرح شرايع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

صدر، محمدصادق (۱۳۸۴). *منهاج الصالحین*. تهران: دار الصدر.

صفائی، حسین: و امامی، اسدالله (۱۳۸۸). *مختصر حقوق خانواده*. تهران: میزان.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). *المبسوط في فقه الإمامية*. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال والحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ ق). مختلف الشیعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

غنی زاده، مهدیه (۱۳۹۸). بزهکاری و بزه‌دیدگی دوقلوهای به‌هم‌چسبیده از منظر فقه امامیه (رساله دکتری). قابل ارزیابی از:

<https://ganj.irandoc.ac.ir/viewer/9d688ea4d70e90b187bde8bc2ce86feb?sample=1>
فاضل موحدی لنگرانی، محمد (۱۳۸۷). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - الطلاق و الموارث. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)

فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی. فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان. فراهی شالچی، حسن؛ فاضل، علیرضا؛ و سازگار، قاسم (۱۳۸۰). بررسی جنینی و آناتومیک دوقلوهای به‌هم‌چسبیده توراگوا و مفالوپاگوس در مشهد. مجله علوم پزشکی ایران، ۴ (۴)، ص ۲۳۴-۲۴۰.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ق). القاموس المحیط. بیروت: دار الکتب العلمیة. قلیوبی، احمد بن احمد؛ و برلسی، عمیره (۱۴۱۵ ق). حاشیة قلیوبی وعمیره. بیروت: دار الفکر. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۹ ق). الحاوی الکبیر. بیروت: دار الکتب العلمیة. محمد منصور علی، عبد الحلیم (۲۰۱۳ م). أحكام زواج التوائم السیامية دراسة فقهیة مقارنة. بحرین: المكتب الجامعی احادیث.

محمود إدیس، عبدالفتاح (۲۰۱۰ م). فصل التوائم المتلاصق وموقف الفقهاء منه. ریاض: بحث مقدمه للمجمع الفقهی الاسلامی المنعقد فی المکه المکرمه.

مرداوی، حسن (۱۳۷۴). الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف. بیروت: دار إحياء التراث العربی. مغنیه، محمد جواد (بی تا). فقه امام جعفر صادق (ع). قم: انتشارات قدس. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). المقنعة. قم: کنگره شیخ مفید.

موسوی خوانساری، احمد (۱۳۶۴). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. قم: مؤسسه اسماعیلیان. میمان، ناصر عبد الله (۲۰۱۰ م). أحكام الفقهیة المتعلقة بالتوائم المتلاصقة. للمجمع الفقهی اسلامی. ناظمی زاده، محسن؛ و نیک دوستی، مجتبی (۱۳۹۲). شرط عدم نزدیکی در نکاح. مجله حقوقی دادگستری، ۷۷ (۸۲)، ص ۱۹۲-۲۱۶.

نراقى، احمد بن محمد مهدي (۱۴۱۹ ق). مستند الشيعه في أحكام الشريعة. مشهد: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.

نورى، حسين بن محمد تقى (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل. قم: مؤسسة آل بيت عليه السلام. نووى، يحيى بن شرف (۱۴۱۲ ق). المجموع شرح المهذب. بيروت: دار الفكر.

نووى، يحيى بن شرف (۱۳۴۴ ق). روضة الطالبين. بيروت: المكتب الإسلامى.

وجدانى فخر، قدرت الله (۱۳۸۴). الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية. بيروت: الأميرة للطباعة والنشر والتوزيع.

اسلام كوئست (۱۳۹۷). تاريخ بازديد: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷. <https://www.islamquest.net>

پايگاه اطلاع رسانی دفتر آيت الله مكارم شيرازى (بى تا). تاريخ بازديد: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷. <https://makarem.ir>

روزنامه هفت صبح (۱۴۰۱ ش). تاريخ بازديد: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵. <https://7sobh.com>

Belachew et al., (2018). Sick building syndrome and associated risk factors among the population of Gondar town, northwest Ethiopia. *Environ Health Prev Med*, 27;23(1), 1-54. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/30368236/>

Boer, L; Schepens-Franke, A. N & Oostra, R. J. (2019). Two is a crowd: On the enigmatic etiopathogenesis of conjoined twinning. *Clinical Anatomy*. 32(5), 722–741. <https://www.clinicalanatomy.ca/>

Boer, L; Schepens-Franke, A. N; Winter, E & Oostra, R. J. (2021). Characterizing the coalescence area of conjoined twins to elucidate congenital disorders in singletons. *Clinical Anatomy*, 34(6), 845–858. <https://www.clinicalanatomy.ca/>

Couzin, R. (2023). Conjoined Twins in Medieval Imagery. *Medieval Encounters*, 29(1), 3-53. <https://ixtheo.de/Record/1840543981>

Madhavan, M; Naik, P. N; & Aurora, A. L. (1974). Conjoined twins: Report of a case of thoracopagus. *The Indian Journal of Pediatrics*, 41(321), 340-2. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/4448527/>

Ratner, AN; Terrone D & Cosgrove FJ. (2006). Thoracopagus Conjoined Twins. *Journal of Diagnostic Medical Sonography*. 22(1), 53-55. <https://journals.sagepub.com/home/JDM>

Rodman E, Placencia JL. (2018). Pharmaceutical considerations with conjoined twins. *In Seminars in Perinatology*, 42(6). <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/30122608/>

Spencer, R. (2001). Parasitic conjoined twins: External, internal (fetuses in fetu and teratomas), and detached (acardiacs). *Clinical Anatomy*, 14(6), 428–444.. <https://www.clinicalanatomy.ca/>

Ulrich, Meyer. (2020). *Fundamentals of Craniofacial Malformations*. Cham, Switzerland : Springer, 175-185.